
مکتب دیکتاتورها

اینیاتسیو سیلونه

مترجم

مهدی سحابی



نسترمایه

تهران

۱۳۹۸

درباره‌ی نویسنده

ایتاتسیو سیلونه (که نام واقعی او سکوندو ترانکوئیلی^۱ است) روز اول مه سال ۱۹۰۰ میلادی در یکی از نواحی روستایی استان زراعی و عقب‌مانده‌ی آبروتس ایتالیا به دنیا آمد. پدرش خرده‌مالک و مادرش بافنده بود. به دنبال بحران و خیمی که در نخستین سال‌های قرن بیستم بر تاعداری ایتالیا چیره شد، پدرش چند سالی به برزیل مهاجرت کرد و تاکستان‌ها و احشام خانواده به فروش رفت. در سال ۱۹۱۵ زلزله‌ای بخش عمده‌ی منطقه‌ی زادگاه سیلونه را ویران کرد و او پدر و مادر و خانه‌ی خود را از دست داد. اندکی پیش از پایان جنگ جهانی اول، سیلونه که بخش عمده‌ی تحصیلات دبستانی و دبیرستانی خود را در مدرسه‌های خصوصی زیر نظر کشیشان گذرانده بود ترک تحصیل کرد و پا به صحنه‌ی پراگتاش فعالیت‌های سیاسی گذاشت. در هفده‌سالگی به سوسیالیست‌های ایتالیایی پیوست که با جنگ مخالف بودند، و این آغاز مبارزاتی سیاسی بود که سیلونه تا پایان عمر خود به آن ادامه داد.

از همین تاریخ فعالیت‌های سیلونه در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری و ادبیات نیز شروع شد. نخستین نوشته‌های او مقالاتی بود که برای روزنامه‌ی ارگان حزب سوسیالیست ایتالیا نوشت تا سوءاستفاده‌ها و تخلفات مقامات دولتی مأمور بازسازی مناطق زلزله‌زده‌ی زادگاهش را افشا کند. بر اثر این مقاله‌ها، سیلونه

1. Secondo Tranquilli

به‌عنوان خبرنگار هفته‌نامه‌ی جوانان حزب سوسیالیست برگزیده شد. اندکی پس از آن به دبیری فدراسیون کارگران روزمزد کشاورزی استان آبروتس رسید. پس از یک سال فعالیت در این زمینه به رم رفت و در عین حال که به تحصیلات نامنظم خود ادامه می‌داد وظایف حزبی روزبه‌روز مهم‌تری را به عهده گرفت. دوست نزدیک و همکار آنتونیو گرامشی شد و در سال ۱۹۲۱، در کنگره‌ای که برای بنیادگذاری حزب کمونیست ایتالیا تشکیل شد، پیوستن جوانان سوسیالیست ایتالیا به حزب تازه را اعلام کرد.

در حزب تازه‌بنیاد وظایف مهمی چه در زمینه‌ی تشکیلاتی و چه در حیطه‌ی روزنامه‌نگاری به عهده‌ی سیلونه گذاشته شد. از جمله، مدیریت یک روزنامه‌ی استانی و رهبری سازمان مخفی حزب به عهده‌ی او بود. به عضویت کادر رهبری حزب برگزیده شد و حتی پس از وضع «قوانین ویژه‌ی» رژیم موسولینی، در کشور ماند و در کنار گرامشی به فعالیت‌های پر مخاطره‌ی حزب ادامه داد. سه بار در دادگاه ویژه‌ی امنیت کشور به‌طور غیابی محاکمه شد اما پلیس به او دست نیافت. سرانجام برای فرار از دست نیروهای انتظامی رژیم موسولینی به خارج از کشور (نخست به فرانسه، سپس به اسپانیا و سرانجام به شوروی) رفت و نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا را در چندین کنفرانس بین‌المللی به عهده گرفت. در ماه مه ۱۹۲۷، همراه با پالمیرو تولیاتی در نشست‌های کومینترن در مسکو شرکت کرد. این گردهمایی، که مقدمات اخراج تروتسکی و بوخارین و زینوویف از حزب کمونیست شوروی در آن تدارک یافت، در تاریخ جنبش کارگری بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در همین نشست‌ها بود که سلطه‌ی استالین بر قدرت قطعیت یافت. بحران سیاسی که به جدایی سیلونه از حزب کمونیست ایتالیا انجامید از همین هنگام آغاز شد. مخالفت با استالینسم، سیلونه را بر آن داشت که از حزب جدا شود و فعالیت‌های حزبی را کنار بگذارد، اما

در عین حال تصمیم گرفت که با روی آوردن به ادبیات به مبارزه‌ای که عمیقاً به آن دل بسته بود ادامه دهد. بدین‌گونه نخستین رمان او، یعنی فونتامارا، زاده شد.

این کتاب هنگامی نوشته شد که سیلونه برای درمان بیماری سل، که نزدیک بود او را بکشد، در دهکده‌ای در سوییس به سر می‌برد. در همین هنگام، واقعه‌ی دیگری پیش آمد که به شدت بر سیلونه اثر گذاشت: برادرش، که تنها بازمانده‌ی خانواده‌ی او پس از زلزله‌ی ۱۹۱۵ بود، به اتهام واهی شرکت در یک سوءقصد دستگیر شد (و دو سال بعد در زندان درگذشت). در پی این رویداد، سیلونه از مقامات سویسی تقاضای پناهندگی سیاسی کرد و چهارده سال در این کشور ماند. این دوران طولانی، برای سیلونه بسیار دردناک و رنج‌آور بود، زیرا گذشته از بدرفتاری دائمی مقامات سویسی، جدایی از حزب و هم‌زمانش نیز شرایط روانی و مادی ناگواری را برای او به وجود آورده بود. در واقع، برخلاف بسیاری از کسانی که همراه سیلونه از حزب کمونیست ایتالیا جدا شدند و به فعالیت‌های سیاسی در جهت‌های دیگری روی آوردند، سیلونه کوشید تا خود را از هرگونه تشکیلات دیگری کنار بکشد و صرفاً به نویسندگی بپردازد.

پس از فونتامارا، که محبوبیت و شهرتی آنی و جهانی یافت، سیلونه کتاب‌های نان و شراب (۱۹۳۷)، مکتب دیکتاتورها (۱۹۳۸) و دانه‌ی زیر برف (۱۹۴۰) را نوشت که هر کدام مایه‌ی شهرت هرچه بیش‌تر او شد.

با این‌همه، پس از ده سال جدایی از سیاست و فعالیت‌های حزبی، سیلونه دوباره در سال ۱۹۴۰ به صحنه‌ی مبارزات تشکیلاتی بازگشت. بخش عمده‌ای از نیروهای ضدفاشیستی ایتالیا بر اثر جنگ و هجوم نیروهای نازی در کشورهای خارجی پراکنده بودند. سیلونه برای گردآوری و وحدت این نیروها پیشنهاد بازسازی و رهبری «کانون برون‌مرزی سوسیالیست» را پذیرفت و به این کار پرداخت. در همین حال، نشریه‌ی دوهفته‌ای آینده‌ی کارگران را نیز منتشر